

جهانی شدن و دیپلماسی شهری: شکل گیری شهروند جهانی (امکان یا عدم امکان)

مهناز گودرزی

استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

goodarzi_mahnaz@yahoo.com

محمد کفاش نیری

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

persicus_sinus@yahoo.com

چکیده

جهانی شدن با کمرنگ نمودن نقش مرزها و فضا نمودن زمان و مکان، همگام با تغییر و تحول در ماهیت نظام بین الملل و مفهوم حاکمیت با شکل گیری جریانات فراملی، باعث ارتقای روابط شهری و شبکه های شهری به سطح جهانی و روابط بین الملل شده و زمینه شکل گیری « دیپلماسی شهری » را فراهم آورده است. به تبع آن، جایگاه شهروند و نقش آن به عنوان عنصر تشکیل دهنده دیپلماسی شهری، متأثر از این جایگاه ارتقاء یافته است. لذا، شناخت و آگاهی از امکان یا عدم امکان شکل گیری شهروند جهانی با توجه به نقشی که شهروند در دیپلماسی شهری در عصر جهانی شدن ایفا می کند، جهت ترسیم چشم انداز کارکرد نقش شهروند در اداره کشورها در عصر جهانی شدن، سوالی است که به نظر می رسد به آن باید پاسخ داده شود. نگارندگان معتقد هستند که در روند جهانی شدن، شاهد پررنگتر شدن نقش شهروند در کنار ایفای نقش دولت ها در روابط بین الملل در اشکال مختلف شهروند جهانی در قالب شهروند جهانی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی در دیپلماسی شهری در عرصه بین المللی هستیم.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهروند، دیپلماسی، دیپلماسی شهری، شهروند جهانی.

Globalization and city diplomacy: The formation of global citizen (possibility or impossibility)

Mahnaz Goodarzi

*PHD Student International Relations Islamic University Isfahan (Khorasgan) Branch
Assistant Professor Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch,*

Mohammad Kaffash Nayyeri

Department of International Relations

Abstract

Globalization with fading out role borders and spatiality to be time and place, synchronous with change and evolution in the nature of the international system and concept sovereignty with formation transnational flows, caused promotion urban relationships and urban networks to worldwide Level and international relations and background formation " city diplomacy " is provided. Consequently, the citizen position and its role as element constituent city diplomacy, affected by this citizen position has improved. Therefore, recognition and awareness of possibility or impossibility formation city diplomacy according the role plays which citizen in city diplomacy in age of globalization, direction drawing outlook the function of the citizen in manage countries in age of globalization, a question is that seems to be answered. Authors is believed that in process globalization, witness role citizen in alongside role playing states in international relations in forms different global citizen in format of political, economic, cultural and environmental global citizen in city diplomacy in International arena is highlighted.

Keywords: Globalization, Citizen, Diplomacy, City diplomacy, Global citizen.

مقدمه

شهرها از دیر باز در تحولات عمده تاریخ بشری ایفاگر نقش مهمی بوده‌اند. به گونه‌ای که علاوه بر تعاملاتی که در سطح محلی خود داشتند، به مرور در چهارچوب یک رابطه سلسله مراتبی با سایر شهرهای دیگر وارد عرصه‌های مناسبات اقتصادی و اجتماعی شدند. این حضور و نقش آفرینی شهرها پس از شکل‌گیری « پیمان وستفالیا^۱ » و پیدایش حکومت‌های ملت پایه در صحنه نظام بین‌الملل، در این فضا کم رنگ شد و به جای آن دولت‌ها وارد عرصه بازیگری در نظام بین‌الملل شدند. این روند همچنان تا اواخر قرن بیستم ادامه یافت، اما با تحولات گسترده‌ای که در نظام سرمایه‌داری و تجدید ساختار آن از « اقتصاد فوردیسم^۲ » به « اقتصاد پسافوردیسم^۳ » منتهی گردید، شهرها به مرور نقش و کارکرد گذشته خود را در مناسبات بین‌المللی بازیافتند و وارد عرصه بازیگری در نظام بین‌الملل شدند. با شکل‌گیری چنین روندی، گروهی آن را با عنوان فضای جریان‌ها تعبیر کردند که پایه اصلی جهانی‌شدن معاصر است. (احمدی پور و همکاران، 1391: 180) در واقع، همگام با جهانی‌شدن و رشد فناوری اطلاعات و توسعه شبکه‌های ارتباطی، شهرها در فضایی متشکل از جریان‌ها به بازیگران اصلی حوزه ارتباط و اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. به گونه‌ای که تمرکز و همگرایی حوزه‌های مختلف در شهرها نشان دهنده حرکت سریع جهان به سمت شهری شدن و توسعه هر چه بیشتر کلانشهرها و تبدیل آنها به شهرهای جهانی و در نهایت جهان‌شهرها است. در این فضا، شهرها با ارتقاء جایگاه اقتصادی، سیاسی، فناوری، فرهنگی و زیر ساختی خود از توان، نفوذ و اعتبار کافی برای اجرای فعالیت‌های دیپلماتیک برخوردار می‌گردند و در راستای فعالیت‌های خود شکل نوینی از دیپلماسی را شکل می‌دهند که از آن با عنوان « دیپلماسی شهری^۴ » نام برده می‌شود. (زرقانی و همکاران، 1393: 163)

این تحول در فضای کارکرد شهر در حالی است که شاهد آن هستیم که « اعلامیه جهانی حقوق بشر^۵ » در ماده 15، حق شهروندی / تابعیت را یکی از حقوق اساسی بشر قلمداد کرده که محافظت از دیگر حقوق منوط به آن است. بر این اساس، پر واضح است که کارکرد اصلی مفهوم شهروندی، به عنوان عنصر آگاهی بخشی، هویت سازی و مشارکت در اداره جامعه بر طبق اصول احترام به حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در حفظ نهادهای مشترک بشری، با توجه به جایگاه شهروند و نقش آن به عنوان عنصر تشکیل دهنده دیپلماسی شهری، متأثر از این جایگاه ارتقاء خواهد یافت. لذا، شناخت و آگاهی از امکان یا عدم امکان شکل‌گیری شهروند جهانی با توجه به نقشی که شهروند در دیپلماسی شهری در فرآیند جهانی‌شدن ایفا می‌کند، جهت ترسیم چشم‌انداز کارکرد نقش شهروند در اداره کشورها در عصر جهانی‌شدن، سوالی است که به نظر می‌رسد به آن باید پاسخ

¹. Treaty Westphalia

². Fordism Economy

³. Post-Fordism Economy

⁴. City diplomacy

⁵. The Universal Declaration of Human Rights

داده شود. در پاسخ به سوال مطرح، از آنجایی که جهانی شدن با فضا مند کردن زمان و مکان، باعث آگاهی فرد انسانی از خود به عنوان یک کل در جهان را فراهم می‌آورد؛ این نوشتار، در گام نخست، به تأثیرات جهانی شدن بر مفهوم شهروندی که باعث شکل‌گیری « شهروند جهانی » می‌شود، می‌پردازد؛ و در ادامه بحث در گام دوم، با بررسی افزایش نقش شهرها از کلاشهرها به شهر جهانی و در نهایت جهان شهرها، لزوم به کارگیری دیپلماسی شهری در کنار دیپلماسی سنتی مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در روند جهانی شدن، شاهد پررنگتر شدن نقش شهروند در کنار ایفای نقش دولت‌ها در روابط بین‌الملل در اشکال مختلف شهروند جهانی در قالب شهروند جهانی سیاسی، شهروند جهانی اقتصادی، شهروند جهانی فرهنگی و شهروند جهانی زیست محیطی در دیپلماسی شهری در عرصه بین‌المللی هستیم. **روش تحقیق** در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

جهانی شدن و مفهوم شهروند

« جهانی شدن^۱»، مفهومی است که از گذشته‌های دور آغاز گردیده و در زمان حاضر با توجه به تحولات صورت گرفته در روابط بین‌الملل، ظهور و تجلی بیشتری یافته؛ اما به پایان راه نرسیده است. چند بعدی بودن این فرآیند و میزان شمول، فراگیری، تأثیرگذاری و پیچیدگی خاصی که در ذات خود دارد، باعث گردیده تا بسیاری از مفاهیم اجتماعی در جهانی شدن دچار تحول و دگرگونی اساسی شوند؛ از این رو، زمینه برای باز تعریف آنها فراهم شود. بر این اساس، ارائه تعریف واحدی از جهانی شدن که مورد اتفاق نظر، نظریه پردازان عرصه علم سیاست در قالب یک الگوی نظری عام و فراگیر که قابل فهم باشد با مشکل مواجه است. با این وجود، با توجه به پیشرفت فن‌آوری در زمینه « تکنولوژیهای ارتباطی - اطلاعاتی^۲ » در عصر جهانی شدن که کیفیت تعاملات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی انسانها را دستخوش تحول اساسی گردانیده است، و نوعی خود آگاهی انسان نسبت به جهان را با افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از دولتها، به عنوان یک کل، فراهم آورده است. بر این اساس، می‌توان جهانی شدن را به عنوان فرآیندی اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است را از بین می‌برد و مردم را به طور فرآینده از کاهش این قید و بند آگاه می‌سازد، معنا و مفهوم کرد. (واترز، 1379: 12) در واقع، به واسطه تراکم زمان، مکان و فضا، فرد انسانی دیگر نمی‌تواند خود را در یک محیط بسته جغرافیایی تعریف کند. بنابراین، جهانی شدن بیش از آن که آغاز فرآیندها و کنش‌های جدید در جهان باشد، نشانگر آگاهی به این موضوع است که امروزه زندگی اجتماعی را نه در قالب یک نظم محدود و مکانمند، بلکه باید در گستره زمان و فضای جهانی شناسایی و بررسی کرد. (گل محمدی، 1381: 30) تحت این شرایط افکار عمومی که از طریق

¹. Globalization

². Communication technologies - information

تشکلهای مجازی، شبکه‌ای و رسانه‌ای شکل می‌گیرند، فوق‌العاده نسبت به وقایع و رویدادهای صورت گرفته در هر نقطه از جهان حساس شده‌اند. در واقع، در چنین فضایی که به شدت « مرکزیت‌زدایی¹ » شده و شاهد فشردگی زمان و مکان هستیم، امکان فضا مند شدن زندگی اجتماعی هموار می‌شود. بر این اساس جهانی‌شدن را می‌توان چنین تعریف نمود: « مفهوم جهانی‌شدن هم به در هم فشردن شدن جهان و هم به تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. » (رابرتسون، 1380: 35) بر این اساس، به نظر می‌رسد، این آگاهی به دست آمده در جهانی‌شدن را بتوان تشدید روابط اجتماعی تعریف نمود؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد، شکل می‌گیرد و برعکس. (گیدنز، 1380: 77) بنابراین، با توجه به تشدید روابط اجتماعی بین افراد جوامع در سطح جهان و خارج از حیطه مسئولیت و قدرت دولتها، شناخت و آگاهی از نقشی که افراد انسانی می‌توانند به عنوان شهروند در این روابط جوامع انسانی به عنوان کل ایفا نمایند، مهم و ضروری می‌گردد. زیرا، در فرآیند جهانی‌شدن روابط اجتماعی کیفیت و ویژگی غیر سرزمینی و در واقع فرا سرزمینی پیدا می‌کنند و مرزها بر اثر جریان الکترونیکی و جریانهای دیگر نفوذپذیر می‌گردد و به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند؛ در نتیجه پیش شرط اساسی اعمال حاکمیت موثر ملی که جغرافیای سرزمینی می‌باشد، از بین می‌رود. از سویی، دیگر پیشرفت‌های مادی و اقتصادی نظیر: ناتوانی دولتهای معاصر در کنترل شرکت‌های جهانی، برنامه‌های ماهواره‌ای، مسائل زیست محیطی جهانی و تجارت جهانی ارز و اوراق قرضه و بالاخره سرمایه جهانی باعث تحدید حاکمیت دولت گردیده‌اند. به گونه‌ای که برخی از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و روانی تقویت کننده حاکمیت را تضعیف نموده است. در نتیجه شاهد رشد شبکه‌های فرامرزی حاصل از این تحولات هستیم که باعث گردیده تا بسیاری از مردم وفاداریهای را کسب نمایند که حتی از حس وحدت و انسجام ملی که در گذشته اساس مشروعیت دولت را تشکیل می‌داد فراتر رود، در حالی که همزمان با آن شاهد آن هستیم که جهانی‌شدن وفاداریهای محلی را در میان مردم بومی و دیگر گروه‌های فرو دولتی بار یکدیگر تقویت می‌کند. (پور احمدی، 1380: 1009-1008) بنابراین، در نتیجه فرو ملی‌گرایی و فرا ملی‌گرایی حاصل از جهانی‌شدن، پیوندهای فرهنگی و ایدئولوژیک بین دولت و شهروندان رو به کاهش و افول گذاشته می‌شوند و به وسیله پیوندهای جدید مختلفی جایگزین می‌شوند. به گونه‌ای که شاهد تغییر عقیده و جهت‌گیری شهروندان در کشورها می‌باشیم. در واقع، مفهوم شهروندی، که مفهومی سیاسی- حقوقی است؛ سیاسی از این جهت که رابطه فرد سیاسی با نظام سیاسی را مد نظر دارد، و حقوقی از این جهت که حقوق و تکالیفی برای فرد شهروند در ارتباط با جامعه و نظام سیاسی - اجتماعی (عیوضی - باب گوره، 1391: 189) نظیر: برخورداری از حقوق امنیت فردی، آزادی بیان، حق رأی و مانند آن مطرح می‌سازد؛ (قوام، 1380: 681) با فروپاشی تدریجی مدرنیته شاهد ظهور مفاهیم

¹. Decentralization

جدیدی از رابطه میان شهروندی و حقوق بشر گردیده است. این تحول که مدیون نقد پست مدرن از خویشتن است، باعث شده تا تحت این شرایط حقوق بشر حالت انتزاعی خود را از دست داده، در نتیجه در عمل به صورت ملموس تری قابل درک گردد. (میلر، 1381: 127) به گونه‌ای که گسترش حمایت بین‌المللی از حقوق بشر در چارچوب نظمی حقوقی به منصفه ظهور رسد که در پرتو جایگاه ویژه‌ای که نزد وجدان حقوقی جامعه بین‌المللی دارد موجبات تحولات هنجاری و ساختاری را فراهم آورد و در نهایت ساختار و کارکرد نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها را دستخوش تغییرات شگرف کند. در نتیجه از این رهگذر مفهوم جامعه مدنی جهانی معنا می‌یابد که روابط جمعی فراتر از جامعه دولت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. (شریفی طراز کوهی، 1381: 20) در واقع، جهانی‌شدن مردم را در معرض جامعه‌پذیری مجدد قرار داده که لزوماً این روند از درون هدایت نشده بلکه دهها، نهاد، سازمان، گروه و کنشگر دولتی و غیر دولتی در آن دخالت دارند که زمینه شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی با عضویت شهروندان جهانی را تقویت کرده است. (فالکس، 1381: 196) امری که در امروزه پرتو فرهنگ رسانه‌ای و انقلاب جهانی ارتباطات و انفجار اطلاعات و نیز نقش بنیادین جنبش‌های اجتماعی و نهادهای مدنی در گستره مشترکات انسانی جستجو می‌شود و به موازات آن، افراد و گروهها بدون در نظر گرفتن هویت‌شان به عنوان اتباع دولتی خاص، ورای علقه‌های ملی و سیاسی عمل می‌کنند، فرآیندی که از نظر عده‌ای به « شهروند جهانی »¹ منتهی می‌شود. (شریفی طراز کوهی، 1381: 18) مفهوم شهروند جهانی در بستر مشترکات انسانی، احساسات، عواطف، نیازها و غرایز که جنبه جهانی یافته‌اند، معنا و مفهوم می‌یابد. مفهومی که به مانند ابزاری است در جهت اندیشه مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن بیشتر دولت؛ اما لزوماً بیانگر نفی منافع ملی و حاکمیت دولت نیست، بلکه نشان‌دهنده تغییر اساسی و شگرف در مفهوم حاکمیت می‌باشد. زیرا، شهروندان از آنچه تأثیر می‌پذیرند و الهام می‌گیرند دیگر محصور و در چارچوب مرزها نخواهد بود، بلکه هویت و رفتار انسانی در فضا و محیطی فرا دولتی شکل می‌گیرد که در آن تعاملات انسانی برگرفته از مسائلی انسانی و جهانی است. فرآیندی که از روند جهانی‌شدن پرشتاب و « وابستگی متقابل فرآیندها »² و بسیار پیچیده فرهنگی، اقتصادی، عاطفی و در نهایت گسترش ساختارهای سیاسی فراملی- فرادولتی، تأثیر زیادی پذیرفته و متقابلاً تأثیرگذار خواهد بود. (شریفی طراز کوهی، 1381: 22-21) به گونه‌ای که شهروندی مبتنی بر تعلق به ملتی واحد، در حال فرسایش و افول است. بر این اساس، می‌توان شهروندی جهانی را مفهومی دانست که بر اساس آن، به انسانها فراتر از علقه‌های ملی و سنتی محصور در مرزبندیهای جغرافیایی، توجه می‌شود تا آن حد که مطلوب خود را در سطح جهان، فارغ از هر مانعی جستجو کنند و برحسب لزوم از پشتیبانی و حمایت جهانی نیز برخوردار باشند. (شریفی طراز کوهی، 1381: 18) بنابراین، می‌توان آخرین مرحله تکامل شهروندی را نیل به «

¹. World Citizen

². Increasing interdependence

شهروند جهانی « در دوره پسامدرن و در بستر اجتماعی جهانی شدن دانست. (عیوضی - باب گوره، 1391: 188) زیرا، در جامعه جهانی شده امروزی هویت مبتنی بر ملت واحد مدرن زیر سوال رفته و زندگی در جامعه جدید به جامعه‌پذیری جدید برای مردم جهان و باز تولید هویت جدید از شهروند جهانی را منجر می‌شود. (عیوضی - باب گوره، 1391: 198) باید توجه داشت، در این زمینه، رسانه‌ها نقش مهمی دارند، زیرا نیازهای مشخص و احساس تعلق‌های جدید را برای افراد و گروه‌ها تولید می‌کنند. گستردگی ابعاد مصائب اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی در سطح جهان هر یک از دولت‌ها را به تنهایی در مقابله با این مشکلات ناتوان ساخته و در نتیجه آنها را مجبور ساخته تا در برخورد با این مسائل از جمله مبارزه با بیماری « ایدز ¹»، « تروریسم ²»، « توسعه نیافتگی ³»، « مسائل زیست محیطی ⁴ » و ...، از نهادهای غیر حکومتی یاری بگیرند و به نحوی از انحاء آنها را در تصمیم‌گیریها و سیاستگزاریها دخالت دهند. در این بین، انتظارات شهروندان در احراز موقعیت شهروند جهانی شده به صورت فرآیندهای دولت‌ها را بار اضافی مواجه ساخته که این خود ضعف‌های ساختاری و ناتوانی در پاسخگویی و عدم کارایی، دولت‌ها را در پی داشته است. در نتیجه، شاهد شکل‌گیری و به کارگیری از دیپلماسی شهری از سوی دولت‌ها جهت کاهش و رفع این عدم پاسخگویی و عدم کارایی نسبت به شهروند جهانی در فرآیند جهانی شدن هستیم.

جهان‌شهرها و دیپلماسی شهری

جهانی شدن با به کارگیری از تکنولوژیهای ارتباطی - اطلاعاتی بر محیط شهرنشینی، سلسله مراتب شهرها، شبکه جهانی شهر، اقتصاد و مدیریت شهری به گونه‌ای تأثیر گذاشته که باعث ایجاد فضای مجازی در شهرها فراهم آورده است. فضای مجازی که با تراکم سرمایه و ایجاد دفاتر شرکت‌های چند ملیتی و ... در شهرها سبب تغییر در عملکرد و فضای شکلی شهرها گردیده است. بر این اساس می‌توان گفت، « جهانی شدن در شهرها اتفاق می‌افتد و شهرها، جهانی شدن را نمایان و منعکس می‌نمایند. (رضایی و عباسی، 1381: 171) در واقع، همانگونه که جهانی شدن بر شهر در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، مدیریت و ... تأثیر می‌گذارد، شهرها هم با عملکردشان بر روند و عناصر جهانی شدن تأثیر می‌گذارند. جهانی شدن با فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت ایفای نقش انبوهی از بازیگران جدیدی در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، شرایط لازم را برای ارتقای برخی از کلانشهرهای ملی به کلانشهرهای جهانی و یا شهرهای جهانی و نهایتاً جهان‌شهرها فراهم آورده است. در واقع، جهانی شدن با تحولات چهارگانه اقتصادی، زمامداری، انسانی و تکنولوژیک باعث شکل‌گیری شهرهایی عظیم از نظر جمعیت، اقتصاد مالی، تولیدی، خدماتی و ...، با کارکردهای فراملی، منطقه‌ای و جهانی گردیده است. (محب علی، 1389: 363)

¹. AIDS

². Terrorism

³. Undevelopment

⁴. Environmental issues

بنابراین، جهانی شدن به شهری شدن جهان و به تبع آن به ایجاد جهان شهرها و شهرهای جهانی منجر شده است. در این بین، تقسیم وظایف و یا تقسیم کار فی مابین دولت‌های ملی و مدیریت‌های شهری، شهرهای جهانی و جهان شهرها از جمله موضوعات قابل بحث و مناقشه‌آمیز در آینده روابط بین‌الملل خواهند بود. (محب علی، 1389: 367) زیرا، رابطه بین سامانه‌های مدیریت کلاشهرها، شهرهای جهانی و جهان شهرها با دولت‌های ملی که تحت تأثیر جهانی شدن همزمان ماهیت دوگانه ملی و جهانی پیدا نموده است. در واقع، جهانی شدن با ارتقاء فعالیت شهرها به عنوان رکن اساسی برای اقتصاد جهانی، باعث ظهور شبکه شهرهای معروف به « شهرهای جهانی »¹ به عنوان نقاط اساسی کنترل بیشتر فعالیت‌های اقتصاد جهانی شده‌اند. (Fuchen and Marcotullio, 2001: 5) به گونه‌ای که می‌توان گفت، شهر جهانی، شهری است که مرکز جریان‌های مالی و تجاری در سطح جهانی است. (محب علی، 1389: 367) زیرا شهرهای جهانی مکان مهمی برای خدمات پیشرفته، بازار فراملیتی برای اقتصاد جهانی و تولید دانش‌های جدید در داخل جریان‌های شبکه اطلاعات با به کارگیری از تجهیزات و تأسیسات الکترونیکی برای برخورداری از جریان ارتباطات راه دور جهت توانایی در ارائه تسهیل عملکردهای جهانی هستند. بدیهی است که در چنین جریان جهانی شده، شهرهای جهانی را باید مهم‌ترین فضای بسترساز مؤثر برای انواع حرکات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار آورد. (نجاتی، 1390: 118) با این وجود، از آنجایی که « شهرهای جهانی » به « جهان شهر شدن » گرایش دارند، (رستمی و همکاران، 1390: 53) رقابت و ارتباط متقابل شهرهای جهانی، ژئوپلیتیک جدیدی را به وجود می‌آورد که موجب تغییرات و تحولات بسیاری در موقعیت دولت - ملت‌ها و مناسبات بین‌المللی خواهد شد. اداره روابط گسترده و در هم تنیده بین ملت‌ها و جوامع انسانی به مدیریتی جهانی و بین‌المللی نیازمند گشته و یا خواهد گشت. با به فراموشی سپرده شدن ایده‌های کهنه در خصوص دولت و حکومت جهانی، زمامداری مشارکتی جهانی، شبکه‌های ارتباطی گوناگون را مدیریت خواهد کرد. در نتیجه، دولت‌های ملی در فرآیندهای برقراری امنیت، نظام حقوقی، ارزشی و عمومی جهانی، واجد نقش‌های نوینی خواهند شد. بر این اساس، چشم‌اندازی برای رقیق شدن و یا حداقل لطیف شدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی پدیدار شده است که پایانی بر دولت - ملت‌های خودمختار و جوامع بسته خواهد بود. (محب علی، 1389: 366-367) بنابراین، « جهان شهرها »² پدیده‌هایی هستند که مراکز تولید و مصرف و خدمات محلی وابسته را در یک شبکه جهانی منسجم به هم مرتبط ساخته‌اند. این شهرها به سبب جریان‌هایی که از آنها می‌گذرد، ثروت، کنترل و قدرت را در خود متمرکز و جمع نموده و حفظ می‌کنند « جهان شهر » به معنای تعلق داشتن به اقتصاد جهانی و رهایی از قید و بندهای اقتصاد ملی است. (رستمی و همکاران، 1390: 53) به عبارتی، در حالی که « شهرهای جهانی » شهرهای هستند که

¹. Global Cities

². World Cities

در آنها « شبکه شهری جهانی » با جریان افراد، کالاها، عقاید و کارکردها با هم در ارتباطند و این ارتباط معمولاً سست، ناپایدار و ضعیف هستند، اما در « جهان‌شهرها » کانون و مرکز ثقل شبکه شهری جهانی و تمامی فعل و انفعالات مرتبط با آنها در قالب استحکام و ثبات هستند. (رستمی و همکاران، 1390: 68) بنابراین، جهان‌شهرها به تدریج با تبدیل شدن به بازیگرانی مؤثر در روند جهانی‌شدن و مناسبات بین‌المللی هم در حوزه ملی و هم در حوزه جهانی در حال اثرگذاری بر روند زمامداری ملی و جهانی هستند. (محب علی، 1389: 363) بر این اساس، می‌توان گفت، « جهان‌شهرها » بیشتر از « شهرهای جهانی » بر رابطه ویژه میان کلانشهرهای کلیدی و فرآیند گسترده‌تر جهانی‌شدن تأکید دارند. (رستمی و همکاران، 1390: 56) به گونه‌ای که نقش شهروندان در جهان‌شهرها، از سطح ملی ارتقاء یافته و در راستای ایفای بازیگران نقش جدید که جنبه جهانی دارد و تحت عنوان « شهروند جهانی » از آن یاد می‌شود، شبکه‌ای به هم پیوسته‌ای از ارتباطات را در بین شهروندان در سطح شهرهای جهانی و جهان‌شهرها در حال شکل‌دادن می‌باشند. این شبکه‌ای به هم پیوسته‌ای از ارتباطات شهروندان باعث گردیده تا دیپلماسی که دوره‌های متفاوتی مانند دیپلماسی دولت‌ها، « دیپلماسی عمومی »¹ داشته است، شاهد شکل‌گیری دیپلماسی تحت عنوان « دیپلماسی شهری » گردد. بنابراین، می‌توان دیپلماسی شهری، را در حقیقت حاصل دو جریان اخیر، یعنی جهانی‌شدن و شهری شدن دانست. (احمدی پور و همکاران، 1391: 158) از آنجایی که ریشه شکل‌گیری دیپلماسی شهری مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیر دولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چند وجهی اقتصاد جهانی است؛ (زرقانی و همکاران، 1393: 178) دیپلماسی شهری به عنوان موضوعی جدید، به موازات دیپلماسی دولت‌ها، میان کشورهای مختلف جهان، شکل گرفت. به گونه‌ای که امروزه توسط بسیاری از جهان‌شهرها و کلانشهرهای بسیاری برای رسیدن به اهداف اقتصادی فرهنگی و اجتماعی در راستای منافع ملی کشور به کار برده می‌شود. (احمدی پور و همکاران، 1391: 157) زیرا، دیپلماسی شهری، با توجه به پتانسیل شهروندی مبنای برخی از مدیریت شهری پیشرفته و دموکراتیک و نیز برخی مقتضیات سازمانی این مدیریت‌ها، بهتر از دیپلماسی دولت ملت قادر به ایفای نقش در فرآیند جهانی‌شدن سیاسی و فرهنگی خواهد بود. (نجانی، 1390: 117) بنابراین، دیپلماسی شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت شهری کلانشهرها برای ورود به عرصه‌های فراملی شناخته می‌شود. به گونه‌ای که آنچه باعث می‌شود یک کلانشهر بتواند به سطح جهان‌شهر برسد، دیپلماسی شهری است که در آن مدیریت شهری با فعال شدن در عرصه‌های فراملی و ارتباط با سایر شهرهای جهانی و شرکتهای چند ملیتی، همواره به عنوان ابزاری نوین در خدمت مدیریت شهری قرار می‌گیرد. (احمدی پور و همکاران، 1391: 174-175)

¹. Public Diplomacy

فرهنگی دانست که مدیریت‌های شهری به منظور کنترل کشمکش‌ها از آن‌ها برای تقویت همکاری‌های جهانی بین‌شهری و رسیدن به منافع و علائق شهری و شهروندی مشترک با هدف برقراری یک زیست فضای شهری پایدار استفاده می‌کنند؛ برای این که بتوانند فضای امن، دموکراتیک و پر رفاه و سرشار از نشاط و آزادی حقوق بشری برای شهروندان خود و شهروندان جهانی ایجاد کنند. (نجاتی، 1390: 119) در نتیجه، می‌توان دیپلماسی شهری را نوعی از دیپلماسی دانست که در آن دولت‌ها از طریق مناسبات بین‌المللی شهرهای کشورهای مختلف جهان تلاش دارند با مرکزیت‌زدایی از مدیریت روابط بین‌الملل از طریق تبدیل کلانشهرها به شهرهای جهانی و سپس جهان‌شهرها، ضمن تأمین منافع شهروندان جهانی‌شده خود، زمینه گسترش حوزه نفوذ خود را نیز فراهم نمایند.

دیپلماسی شهری و شهروند جهانی

مفهوم شهروندی متأثر از فرآیند جهانی‌شدن با پیچیده شدن نیازهای شهروند، شهرها را به میزان فزاینده‌ای به همکاری و عملکرد تکمیلی با دیگر شهرها واداشته است، تا بتوانند در راستای آن موقعیت فردی شهروند خود را از این راه ارتقاء بخشند. بر این اساس، هر چه شهرهای عمده یک کشوری در قامت یک شهر جهانی و جهان‌شهرها مطرح شوند و با ایجاد شبکه‌های شهری در قالب خواهر خواندگی، تأثیرگذاری بیشتری بر روند جریان‌ها شکل‌دهنده به نیازهای شهر و شهروند داشته باشند، شاهد آن خواهیم بود که حوزه نفوذ گسترده‌ای را برای آن شهر و به تبع آن، برای کشورهای آنها در بر خواهد داشت. در این بین، بنا بر تعریفی که « رنه شورت¹ » از جهان‌شهر ارائه کرده است، می‌توان گفت که حضور یک شهر در شبکه می‌تواند مبنای جهانی بودن آن شهر محسوب شود. (short, 2004:2) بنابراین، جهان‌شهرها را هم می‌توان علت و هم معلول جهانی‌شدن اقتصادی و فرهنگی دانست. چرا که این شهرها را به منزله محصول تلفیق تقسیم‌بندی جدید بین‌المللی نیروی کار، بین‌المللی‌سازی امور مالی و استراتژی‌های جهانی، شبکه‌های شرکت‌های فراملیتی تلقی می‌شوند که تمامی آنها به شیوه‌های جدید نظارت و نیز فناوری‌های فرآیند انقلابی ارتباطات تجهیز گشته‌اند. (احمدی پور و همکاران، 139: 170) وقوع این امر باعث گردیده تا در جهان امروز شاهد چند لایه شدن جوامع باشیم، در نتیجه دیپلماسی رسمی دیگر به تنهایی قادر به شناسایی، مدیریت و تأمین نیازهای شهروندان خود در تعاملات بین‌المللی نباشد؛ چرا که وابستگی متقابل شهروندی میان ملت‌ها، گسترده‌تر و فراگیرتر شده و جوامع نیازمند نماینده‌های متخصص به ویژه در زمینه‌های شهری می‌باشند تا از این طریق بتوانند علاوه بر این که به مشکلات عدیده که در میان تمامی ملت‌ها مشترک است، فائق آیند، بتوانند از فرصت‌های بومی خود نیز بهره‌مند کافی را ببرند. (زرقانی و همکاران، 1393: 170) در این بین، شکل‌گیری سیاست دیپلماسی شهری بیشتر متوجه صورت‌بندی ایده‌ها و راه‌کارهایی است که به وسیله آن، کلانشهرها جهان بتوانند با هدف نشان دادن توانایی‌ها و

¹. Rene shorts

علاقتمندی‌هایشان برای حل برخی مسائل و چالش‌های سیاست شهری، ارتباطات فرهنگی و تعهدات سیاسی را با دیگر بازیگران عرصه سیاست بین‌المللی - اعم از مجامع و سازمانهای بین‌المللی و کلانشهرها و شهرهای جهانی مختلف - بر عهده گیرند. (نجاتی، 1390: 117) در واقع، مهمترین موضع برای به کارگیری سیاست دیپلماسی شهری، مقتضیات ناشی از جهانی‌شدن شهری است که بر اساس ادعای نظریه‌پردازان مربوط به این حوزه، به تضعیف سیاست روابط بین‌الملل بینادولتی و در عوض تقویت سیاست روابط بین‌المللی بیناشری منجر شده است. (نجاتی، 1390: 120) چرا که در چارچوب فرآیند جهانی‌شدن کنشگران متعدد و متنوعی در کنار دولت‌ها نقش ایفا می‌کنند؛ نهادها و سازمانهای شهری، شهرداری، شوراهای شهر و ...، از جمله بازیگران و کنشگران جدیدی هستند که به عنوان نماینده مستقیم افکار عمومی و اراده مردم می‌توانند در بالاترین مقام اجتماعی آن شهر، در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، تحقیقاتی و حتی سیاسی با دیگر کشورها وارد مذاکرات همه جانبه شوند و در قالب دیپلماسی شهری در افزایش مناسبات دو جانبه کشورهای مختلف به ویژه کشورهایی که در آنها روابط ملت و دولت دارای تنش است، نقش مهمی در بهبود و افزایش مناسبات سازنده اقتصادی، فرهنگی و هنری ایفا کنند. (زرزقانی و همکاران، 1393: 165) به گونه‌ای که این شهرهای جهانی‌شده تحت تأثیر جهانی‌شدن اقتصاد، فرهنگ و سیاست، با دولت ملیت‌زدایی در دنیای معاصر «تصمیم‌های مدیریتی در شهر» را نیز به تصمیم‌ها در جهان وابسته نموده‌اند. (نجاتی، 1390: 122) بر این اساس، شاهد همکاری دولتها برای حل مشکلات و معضلات مشترک در قالب دیپلماسی شهری اهمیت عینی بیشتری یافته است؛ به گونه‌ای که از قبل آن، اهمیت مرزهای سرزمینی بین کشورها، در پرتو رشد روندهای بین‌المللی شدن و جهانی‌شدن در حال افول است. با این حال، علی‌رغم وجود محدودیتهای بسیار که ظهور شهروندی جهانی را هنوز محقق نمی‌سازد و صرف امکان اعطای مضمون مربوط به این پندار و تلقی آن به عنوان یک «پروژه رهایی»¹ مهم مطرح ساخته است، (لکسو، 1381: 119) شاهد آن هستیم که فرآیند جهانی‌شدن با باز اندیشی اندیشه شهروندی، عناصر شاکله آن نظیر: هویت، حقوق، وظایف، گستره عمل و بسترهای اجتماعی شکل دهنده آن را تحت عنوان دیپلماسی شهری به گونه‌ای دچار باز تعریف نموده است، که شاهد شکل‌گیری شهروند جهانی در قالب اشکالی چون: شهروند جهانی سیاسی، شهروند جهانی اقتصادی، شهروند جهانی فرهنگی و شهروند جهانی زیست محیطی هستیم.

1. شهروند جهانی سیاسی²

جهانی‌شدن با تغییر روابط میان شهروندان و دولت باعث شده تا نتوان به مثابه گذشته روابط میان شهروندان و دولت را بر اساس ارتباطات و وفاداریهای سنتی توضیح داد؛ زیرا عناصری مانند هویت، مسئولیت، حقوق و مشارکت که زمانی به صورت

¹. Project Release

². Global citizen political

یک کل یکپارچه و لایتجزا مورد توجه قرار می‌گرفتند، متأثر از فرآیند جهانی‌شدن تجزیه شده، به گونه‌ای که به سختی می‌توان روابط میان اجزای مزبور را به مثابه گذشته بررسی نمود. (قوام، 1380: 694) به عبارتی، شهروندان از آنچه تأثیر می‌پذیرند و الهام می‌گیرند دیگر محصور به دولت در چارچوب مرزها نیست، بلکه هویت و رفتار انسانی در فضا و محیطی فرا دولتی شکل می‌گیرد. به گونه‌ای که تعاملات انسانی برگرفته از مسائلی انسانی و جهانی است. فرآیندی که از روند جهانی‌شدن پرشتاب و وابستگی متقابل فرآیندها و بس پیچیده فرهنگی، اقتصادی، عاطفی و در نهایت گسترش ساختارهای سیاسی فراملی-فرا دولتی، تأثیر زیادی پذیرفته و متقابلاً تأثیرگذار است. (شریفی طراز کوهی، 1381: 22) در واقع، رشد شبکه‌های فرامرزی بسیاری از وفاداریهایی را که مردم کسب کرده‌اند حتی از حس وحدت و انسجام ملی که سابقاً اساس مشروعیت حاکمیت دولت را تشکیل می‌داد، فراتر می‌برد. (پور احمدی، 1380: 1009) بنابراین، از آنجایی که تضمین اجرای روابط میان شهروندان و دولت نیازمند تدبیر ثباتی است که تحت تأثیر جهانی‌شدن دچار تغییر و دگرگونی شده است و شاهد شکل‌گیری دیپلماسی شهری در کنار «دیپلماسی سنتی»¹، در جهان‌شهرها هستیم؛ لزوم واکاوی شکل‌گیری شهروند جهانی سیاسی در چارچوب شهروند جهانی امری ضروری می‌سازد. بر این اساس، از آنجایی که از منظر حقوق بشر، مشروعیت هر دولتی تابعی از میزان «رعایت»²، «حمایت»³، و «تحقق»⁴ حقوق شهروندان خود است، (دانلی، 1381: 55) در عصر جهانی‌شدن شاهد به وجود آمدن تعارضات میان موارد اطلاق حقوق بشر به طور عام و تسری آن به واحدهای ملی جداگانه در چارچوب دولتهای سرزمینی به صورت خاص هستیم. به گونه‌ای که در بسیاری از (به ویژه در ارتباط با دولتهای پیشامدرن و حتی مدرن) فضای فیزیکی محدود، اجازه کاربرد حقوق بشر را نداده است و میان برخورداری از حقوق شهروندی قابل تعریف در چارچوب واحد سیاسی خاص و جنبه‌های عام‌گرایانه حقوق بشر تناقضاتی را مشاهده می‌کنیم. (قوام، 1380: 681-682) زیرا، حقوق بشر در عصر جهانی‌شدن برخلاف حقوق شهروندی که در چارچوب دولت-ملت خاص مطرح می‌گردد، کلیه جوامع انسانی با نژادها، اقوام، مذاهب، جنبش‌ها و طبقات اجتماعی گوناگون را در اقصی نقاط جهان در بر می‌گیرد و به هیچ وجه به مرزبندیهای فیزیکی خاص بسنده و محدود نمی‌شود. (دانلی، 1381: 55) بر این اساس، شاهد هستیم که مداخله جهت حمایت از حقوق بشر در عصر جهانی‌شدن از اقدامات سازمان ملل یا منافع و اقدامات بازیگران خاص فراتر می‌رود. در واقع، در عصر جهانی‌شدن در حوزه‌های مختلف، به ویژه در خصوص رعایت حقوق بشر هنجارهای جهانی شکل گرفته‌اند؛ در نتیجه، شکل‌گیری منافع دولت‌ها در عصر حاضر کمتر در حوزه بسته داخلی انجام می‌گیرد و بیشتر توسط عرصه عمومی

¹. Traditional diplomacy

². Respect

³. Protect

⁴. Relize

جهانی تعیین می‌شود. به گونه‌ای که توجه به هنجارهای جهانی و در نظر گرفتن آنها در سیاست خارجی بخشی از منافع ملی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. (اخوان زنجانی، 1381: 103) امروزه حقوق بشر ویژگی خود را از دست داده و خصیصه بین‌المللی یافته است و دیگر کشورها نمی‌توانند با استناد به داخلی بودن این قضایا از رسیدگی دیگر کشورها و سازمانهای بین‌المللی به آنها جلوگیری کنند. از این رو، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با به کارگیری دیپلماسی شهری در دو بعد ملی و بین‌المللی با فراهم کردن زمینه‌های مشارکت شهرهای جهان با یکدیگر، توسعه فعالیت‌های مستقل از دستورالعمل‌های دولت را ممکن سازند تا بتوانند امکان پاسخ‌گویی بهتر به شهروندان جامعه خود را که در راستای جهانی‌شدن حقوق بشر، در حال شکل دادن به شهروند جهانی سیاسی هستند را فراهم سازند. دیپلماسی شهری جهت تحقق نیازهای شهروند جهانی سیاسی برخاسته از حقوق بشر جهانی‌شده بر چند « هدف - رویه » اصلی استوار است: تقویت و حفظ دموکراسی شهری، توسعه شهری، حقوق بشر شهری و شهروندی شهری. رویه‌ها نیز عبارتند از: همکاری بین‌شهری در تقویت همزیستی شهری، جلوگیری از خشونت و جرم شهری، تقویت همبستگی شهری و شهروند سازی شهری. (نجاتی، 1390: 135-136) در نهایت، می‌توان گفت جهانی‌شدن با به کارگیری دیپلماسی شهری، مهارت‌ها و توانمندیهای تحلیلی شهروندان را برای پاسخگوتر ساختن قدرت سیاسی دولت‌ها، به ویژه در زمینه حقوق بشر با جهانی‌شدن حس مشترک حقوق بشری جهت امکان چانه‌زنی در سطح بین‌المللی، علی‌رغم وجود تعلقات ملی کمرنگ شده با کمک به روند شکل‌گیری شهروند جهانی سیاسی، افزایش می‌دهد.

2. شهروند جهانی اقتصادی¹

انتقال و قابلیت تجارت پول و سرمایه، جریان آزاد خدمات، شبکه ارتباطات جهانی، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم و جریان کالا و مسافر به عنوان مهمترین عوامل جهانی‌شدن اقتصاد در سالهای اخیر منجر به یکپارچگی اقتصاد در جوامع مختلف را فراهم آورده است. در واقع، جهانی‌شدن با ایجاد جریان فرا ملی جمعیت، کالا، سرمایه و اطلاعات باعث تغییر محیط بازی بین‌المللی نسبت به گذشته شده است. اگر محیط بازی بین‌المللی، در گذشته بیشتر بر ساختارهای جغرافیایی بنا شده بود و نیروهای ژئوپلیتیکی به آن شکل می‌دادند، جهانی‌شدن با تحول در دانش ارتباطات، این محیط را دگرگون کرده و مفهوم فضا را با توجه به تحولی که در سرعت انتقال دانش اطلاعات و تصویر به وجود آمده، دگرگون کرده است. البته از این معنی نباید چنین نتیجه گرفت که جغرافیا و ژئوپلیتیک ارزش خود را از دست داده‌اند، بلکه واقعیت خلق فضای جدید الکترونیکی است که محیط خاصی را فراهم آورده که قبلاً نبود. این محیط الکترونیکی همه عرصه‌های زندگی بشر اعم از تعاملات فردی تا مناسبات

¹. Global Citizen Economy

اقتصادی را متحول ساخته است. « تجارت الکترونیکی^۱ » به عنوان مفهومی جدید در مناسبات اقتصادی و محصول محیط الکترونیکی جهان (سجادپور، 1381: 149) باعث گردیده تا یک شهروند توانا بتواند از نظر اقتصادی مولد، از بعد اجتماعی فعال و از جهت مشارکت‌کننده‌ای مسئول تعریف شود. (شیرخانی، 1381: 156) وقوع این تحول در محیط بازی بین‌المللی در حالی است که ماهیت متحول و تأثیرگذار اقتصادی محیط بین‌الملل از فورديسم به پسا فورديسم، و به عبارت دیگر، سرمایه‌داری به فرا سرمایه‌داری که از آن به « سرمایه‌داری نوین^۲ » نیز یاد می‌شود موجب تفوق محیط اقتصاد محور بر سیاست محور گردیده که در آن فعالیت گسترده‌تر سایر بازیگران جدا از دولت‌ها فراهم شده است. (زرکانی و همکاران، 1393: 167) به گونه‌ای که شاهد آن هستیم کلانشهرها به محض اینکه در اقتصاد جهانی پسا فورديسم جایگاهی را به خود اختصاص می‌دهند و به عنوان یک شهر از گره‌های شبکه اقتصاد جهانی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. از کلانشهر به وضعیتی که در رقابت با سایر شهرهای جهانی است به « شهر جهانی » ارتقاء می‌یابند و از هر چندین ده « شهر جهانی » که در رقابت با سایر شهرهای جهانی است، یکی از این شهرهای جهانی که بالاترین میزان فعالیت در اقتصاد جهانی را به دست می‌آورد، به عنوان یک مکان مرکزی به نقش‌آفرینی می‌پردازند که در حقیقت از شهر جهانی به « جهان‌شهرها » تغییر وضعیت می‌دهد. (رستمی و همکاران، 1390: 43) بنابراین، جهانی‌شدن اقتصاد با ارتقاء نقش شهروند و افزایش ایفای نقش شهرها در قالب سیری تکمیلی از کلانشهرها به شهر جهانی و جهان‌شهرها، با فراهم آوردن زمینه‌های شکل‌گیری دیپلماسی شهری در کنار دیپلماسی سنتی به دنبال جذب « سرمایه‌های مستقیم خارجی^۳ » و افزایش میزان سهم « تولید ناخالص ملی^۴ »، کاهش فقر شهری و افزایش اشتغال و ... در مدیریت به دنبال اعطای قدرت بیشتر به ساکنین شهری و اجرای بیشتر سیاست‌های شهروندی و مدیریت استراتژیک، اهمیت دادن به درخواست‌های شهروندان و ... است. (رضایی و عباسی، 1389: 166) در این بین، نکته قابل توجه این که اگر سیاست‌های دولت‌ها توانایی شهروندان جامعه را در بهره‌گیری از فرصت‌هایی که جهانی‌شدن اقتصاد با به کارگیری از دیپلماسی شهری ایجاد می‌کند، افزایش ندهند؛ در فرآیند تغییرات ناشی از تغییرات محیط بازی بین‌المللی و حضور بازیگرانی جدا از دولت‌ها، به علت نداشتن حداقل معشیت، فقدان شبکه اطلاع‌رسانی، عدم امکان مشارکت سیاسی در جهت حفظ و تأمین منافع، و از دست دادن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی جهت تأمین اجتماعی، در صدد قابل توجهی از شهروندان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، محرومیت اجتماعی را تجربه خواهند کرد. (شیرخانی، 1381: 156) در نتیجه، در صورتی که سیاست‌گذاری‌های عمومی به ویژه در کشورهای در حال توسعه امکان مشارکت شهروند توانای جهانی‌شده

¹. E-commerce

². New Capitalism

³. Foreign direct investment (FDI)

⁴. Gross Domestic Product (GDP)

در جهانی شدن اقتصاد را فراهم سازد، علاوه بر آن که زمینه‌ها و فرصت‌های لازم را جهت یکپارچه شدن در اقتصاد جهانی به وجود می‌آورد؛ شهروندان جامعه را به دلیل مشارکت مسئولانه در کسب سهم بیشتری از درآمد و امکانات کشور به اهتمام بیشتر جهت حمایت از دولت در تأمین منافع ملی در سطح بین‌المللی وادار می‌سازد.

در نهایت، می‌توان گفت نهادینه شدن روند شهروندی جهانی اقتصادی در حال شکل‌گیری، چارچوبی برای توافق روی برخی اولویتهای اساسی و نیز جلوگیری از نوع قطبی شدن اقتصادی و فروداشت محیطی که امروزه امنیت جهانی را تهدید می‌کند، فراهم می‌سازد. (لکسو، 1381: 119-120)

3. شهروند جهانی فرهنگی¹

« انقلاب ارتباطات² » به عنوان مهمترین ایفاگر نقش در فرآیند جهانی شدن، سازمانهای غیردولتی، شبکه‌های ارتباطاتی پیچیده و همپوش و در هم آمیخته‌ای را ایجاد کرده است که مرزهای جغرافیایی و سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسد. به گونه‌ای که آنها فقط مسائل و موضوعات مربوط به حوزه تخصصی خود را می‌شناسند و عملکردی در سطح عمومی دارند. به عبارتی دیگر، فرد، محله، دولت، ملت، منطقه و کل جهان را به یکدیگر پیوند می‌دهند. چنین پیوندی که در میان مردم ایجاد یک نوع گسست فرهنگی، هویتی و روانی در پی دارد. به گونه‌ای که با آن که مردم در یک فضای جغرافیایی قرار دارند، اما از لحاظ اجتماعی و روانی به همان فضا تعلق ندارند. در چنین فضایی افراد تحت تأثیر رویدادهای قرار می‌گیرند که بر آنها هیچ کنترلی اعمال نمی‌گردد. (اخوان زنجانی، 1381: 12) در واقع، در این فضا افراد به عنوان شهروند جهانی، از طریق تجربیات متفاوت، زندگی را بررسی می‌کنند و تفاسیر متفاوتی از معنای این موضوع برای خود دارند. تمرین شهروندی جهانی اگر برای خیلی از مردم پیشتر در خانه از طریق تعامل در مسائل جهانی و یا با فرهنگ‌های مختلف در یک محیط محلی انجام می‌گرفت، در عصر حاضر شهروندی جهانی به معنای تجربه‌ای دست اول با کشورها، مردمان و فرهنگ‌های گوناگون است. در واقع، برای اغلب افراد نوعی ارتباط بین شهروندی جهانی و محلی بر اساس برداشت ویژه‌ای که هر شخص از شهروندی جهانی چه باشد، شکل می‌گیرد؛ که بر اساس آن شخص انتخاب خواهد کرد که آیا در آن شرکت کند یا خیر، و اگر شرکت کرد چگونه این کار را انجام دهد. (گرین، 1392: 41) وقوع این امر برای شهرها سلسله مراتب جدید شهری بر مبنای فضای شهری جدید شکل یافته از جهانی شدن را تعیین و تعریف می‌نماید، همچنین زمینه را برای همگرایی در مسائل فرهنگ و فرم شهری در میان شهرها ایجاد می‌کند. بر این اساس، شاهد همدلی بین فرهنگی یا صلاحیت بین فرهنگی به عنوان هدف آموزش جهانی می‌باشیم. همدلی بین فرهنگی که جایگاهی مرکزی در تفکر آموزش عالی درباره شهروندی جهانی به خود اختصاص داده و به

¹. Global Citizen Culture

². The communications revolution

عنوان مهارتی حیاتی در محیط کار محسوب می‌شود. (گرین، 1392: 41) در واقع، در سطح کاربردی شهروندی فرهنگی جهانی مفهومی ارائه می‌کند که می‌تواند علی‌رغم پیشینه‌های متفاوت فرهنگی پلی باشد بین جهانی‌شدن و آموزش چند فرهنگی، (گرین، 1392: 42) با هدف دستیابی به همدلی فرهنگی یا صلاحیت بین فرهنگی. در این بین، اگر چه دیپلماسی فرهنگی بخش مهمی از فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها تحت عنوان دیپلماسی شهری جهت به کارگیری از تواناییهای شهروند فرهنگی جهانی تشکیل می‌دهد، اما به نظر برخی از پژوهشگران از ظرفیت کامل این دیپلماسی استفاده نمی‌شود. (زرقانی و همکاران، 1393: 176) با این وجود باید توجه داشت، فرصت‌های مشارکت در جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی و فرهنگی شهروندان با به کارگیری دیپلماسی شهری، زمینه‌های شکل‌گیری شهروند جهانی فرهنگی را فراهم می‌آورد. در این بین، نقش کلیدی جوانان و توجه به نیازهای آنها، به ویژه در بحث فرهنگ را در سازماندهی شرایط زندگی بهتر در جوامع شهری نباید نادیده انگاشت.

4. شهروند جهانی زیست محیطی¹

جهانی‌شدن باعث شده تا فرآیندهای زیست محیطی از مرزهای مصنوعی دولت - ملت‌ها فراتر رفته، به گونه‌ای که در مواجهه با خطرات جهانی، شاهد قطع پیوند شهروندی با مفاهیم محدود کننده نظیر دولت - ملت یا تقسیم حوزه عمومی و خصوصی باشیم. در واقع، رشد سریع اندیشه‌های سیاسی زیست محیطی در سالهای اخیر به حساس شدن ما به حفظ منابع طبیعی و تغییر جهت به سمت « توسعه پایدار² » کمک کرده است. توسعه پایداری که دربرگیرنده توسعه انسانی با در نظر گرفتن محیط زیست و نسل‌های آینده، پدیده‌هایی نظیر گرم شدن زمین و بارانهای اسیدی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس، باید گفت بعد زیست محیطی شهروندی، در بردارنده گسترش « اخلاق مراقبت³ » است. (فاکس، 1381: 195-193) در واقع، جنبش‌های زیست محیطی به عنوان جنبشی اجتماعی از طریق بسیج و با تکیه بر چارچوب‌بندیهای خاص می‌کوشند با ایجاد هویت و رفتارهای جدید تغییرات مورد نظر خود را پیش ببرند. (مشیرزاده و هاشمی، 1392: 205) این جنبش‌ها برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند با به کارگیری از فنون مبارزاتی گوناگون به بسیج منابع و مردم بپردازند. همچنین، با ارائه خود به عنوان یک گفتمان، تحت عنوان « گفتمان زیست محیطی⁴ » گفتمان مسلط اجتماعی و سیاسی را به چالش کشیده و از طریق خلق چارچوب‌ها و معانی جدید و فرآیند اقناع‌سازی به بسیج عمومی بپردازند و از این طریق بر کنشگران دیگر نیز تأثیر گذارند و در نتیجه به تغییر سیاست‌گذاری‌ها و قواعد تنظیمی جهت تجویز یا منع، و قواعد تکوینی جهت خلق یا

¹. Global Environmental Citizen

². Sustainable Development

³. Morality Care

⁴. Environmental Discourse

تعریف اشکال جدید رفتار و نیز رعایت قواعد و عدم سرپیچی از آنها، منجر شوند. (مشیرزاده و هاشمی، 1392: 205) در این بین، شاهد شکل‌گیری شهروند زیست محیطی در فضای شهرها از کلانشهرها به شهرهای جهانی و در نهایت جهان‌شهرها در قالب دیپلماسی شهری هستیم که نسبت به ارزش‌های زیست محیطی و اکولوژیکی احساس تعهد می‌کند، می‌باشیم. شهروندی جهانی که امکان ندارد اقدامی به ضرر محیط زیست خود انجام دهد. یک چنین شهروندی به اندازه کافی نسبت به مشکلات زیست محیطی حساسیت دارد. حساسیتی محیط زیستی که برخاسته از آگاهی زیست محیطی است. به گونه‌ای که چنین شهروند جهانی زیست محیطی نسبت به مشکلات مربوط به محیط زیست بسیار حساس می‌باشد و دارای آمادگی لازم و ظرفیت مشارکت در رفتار مسئولانه زیست محیطی می‌باشد. (پور و سعادت یار، 1391: 206) بر این اساس، شهروند زیست محیطی را می‌توان شهروندی دانست که تلاش می‌کند تا میان مسئولیت‌هایی که در برابر محیط زیست دارد و قوانین موجود، به دنبال ایجاد توازن باشد. چنین شهروند جهانی دارای ویژگی‌هایی به قرار ذیل می‌باشد:

1. نسبت به محیط زیست و مشکلات آن آگاهی و حساسیت دارد،
2. درک روشنی از محیط زیست و مشکلات آن دارد،
3. احساس نگرانی نسبت به محیط زیست خود دارد و از انگیزه کافی برای مشارکت فعالانه در بهبود محیط زیست و حفاظت از آن برخوردار است،
4. از مهارت‌های لازم به منظور شناسایی و حل مشکلات زیست محیطی برخوردار است، و
5. به منظور حل مشکلات زیست محیطی، مشارکت فعالی در تمامی سطوح دارد. (پور و سعادت یار، 1391: 199)

باید توجه داشت، تأثیرگذاری در تدبیر جهانی امور زیست محیطی توسط چنین شهروندان جهانی زیست محیطی در قالب جنبش‌ها از دو طریق مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد. در شیوه غیر مستقیم تأثیرگذاری بر افکار عمومی و در نهایت بسیج عمومی است و در شیوه مستقیم بر روی ترتیبات نظیر نشست‌ها و کنفرانس‌های جهانی و نتایج سیاستگذاری‌ها و سیاست‌های کنشگرانی همچون دولت‌ها، شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های بین‌حکومتی تأثیر می‌گذارد. (مشیرزاده و هاشمی، 1392: 207) بر این اساس، به طور بالقوه می‌توان گفت فراگیرترین برداشت از شهروندی جهانی متعلق به جنبش زیست محیطی است که خواستار یک باز اندیشی اساسی در مورد شهروندی در پرتو تداوم نابودی محیط زیست می‌باشد. اگر چه جنبش زیست محیطی به عنوان واکنشی به جهانی‌شدن تاکنون پیشرفت اندکی در ایجاد شهروند جهانی داشته، اما نمی‌توان گفت که هیچ تأثیری نداشته است. به گونه‌ای که نگرانی‌های زیست محیطی در عصر حاضر با تلاش این جنبش به صورت یک موضوع عمومی در آمده و اکنون در دستور کار سیاست بین‌الملل قرار گرفته است. در این بین، شهروندی جهانی

Global Conference

on

New Horizons in
Humanities, Future Studies
and Empowerment

2016 January 28

زیست محیطی اگر چه به هیچ وجه تحقق نیافته، مع هذا به عنوان یک احتمال واقعی برای آینده مطرح می‌باشد. (نش،

1380:238) به گونه‌ای که شاهد شکل‌گیری شهروند جهانی زیست محیطی می‌باشیم.

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن با کمرنگ نمودن نقش مرزها و فضاوند نمودن زمان و مکان، همگام با تغییر و تحول در ماهیت نظام بین‌الملل و مفهوم حاکمیت دولت‌ها، نقش شهروند (مردم) را به عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده دولت (سرزمین، حکومت و حاکمیت) را با شکل‌گیری جریانات فراملی افزایش داده است. در این بین، شهر و فضای شهری متأثر از این جریانات فراملی، در قالب کلانشهرها، شهر جهانی و جهان‌شهرها شاهد ارتقای روابط شهری و شبکه‌های شهری به سطح جهانی گردیده و زمینه شکل‌گیری « دیپلماسی شهری » در روابط بین‌الملل فراهم آورده است. دیپلماسی شهری که در کنار دیپلماسی سنتی، جایگاه شهروند و نقش آن به عنوان عنصر اصلی تشکیل‌دهنده دیپلماسی شهری، را به جایگاهی جهانی ارتقاء داده است؛ به گونه‌ای که در روابط بین‌الملل شاهد روند رو به رشد شکل‌گیری « شهروند جهانی » در اشکالی از شهروند جهانی در قالب: شهروند جهانی سیاسی تحت تأثیر جهانی‌شدن حقوق بشر، شهروند جهانی اقتصادی تحت تأثیر فضاوند شدن محیط بازی بین‌الملل و تبدیل اقتصاد بین‌الملل از فوردیسم به پسا فوردیسم، شهروند جهانی فرهنگی تحت تأثیر همدلی فرهنگی و صلاحیت فرهنگی، و شهروند جهانی زیست محیطی تحت تأثیر شکل‌گیری گفتمان جنبش‌های زیست محیطی بر مبنای توسعه پایدار را فراهم آورده است. در نتیجه، می‌توان گفت شاهد پرنرنگتر شدن ایفای نقش شهروند در قالب دیپلماسی شهری در اشکال شهروند جهانی در فرآیند جهانی‌شدن در کنار ایفای نقش دولت‌ها در روابط بین‌الملل می‌باشیم.

فهرست منابع

- 1 - احمدی پور، زهرا - قورچی، مرتضی - قادری حاجت، مرتضی (1391)، « تبیین جایگاه دیپلماسی شهری در توسعه حوزه ژئوپلیتیکی»، *جغرافیا و توسعه شهری*، شماره 1، بهار و تابستان.
- 2 - اخوان زنجانی، داریوش (1381)، *جهانی‌شدن و سیاست خارجی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- 3 - پور، سمیرا - سعادت یار، فهیمه سادات (1391)، « تحلیل و بررسی نگرش‌ها و نیات رفتاری مسئولان زیست محیطی با توجه به شهروند زیست محیطی، *راهبرد توسعه*، شماره 29، بهار.
- 4 - پور احمدی، حسین (1380)، « فرآیندهای جهانی‌شدن و چالشهای مفاهیم در رخداد 11 سپتامبر»، *فصلنامه سیاست خارجی (ویژه پیامدهای 11 سپتامبر)*، سال پانزدهم، شماره 4، زمستان.
- 5 - دانلی، جک (1381)، « دموکراسی، توسعه و حقوق بشر»، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، *فصلنامه راهبرد*، شماره 23، بهار.
- 6 - رابرتسون، رونالد (1380)، *جهانی‌شدن: تئوریهای اجتماعی و فرهنگی جهانی*، ترجمه: کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
- 7 - رستمی، قهرمان - پور موسوی، سید موسی - قورچی، مرتضی (1390)، « تبیین ژئوپلیتیکی کلانشهرهای جهانی: تأملی بر تفاوت‌یابی مفهومی شهر جهانی و جهان شهرها»، *ژئوپلیتیک*، شماره 21.
- 8 - رضایی، رحیم - عباسی، محمد (1389)، « اثرات جهانی‌شدن بر ماهیت، ساختار و عملکرد شهرها»، *آمایش سرزمین*، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان.
- 9 - زرقانی، سید هادی - رنجکش، محمد جواد - اسکندران، منصوره (1393)، « دیپلماسی شهری، تحلیل نقش شهرها به عنوان بازیگر جدید عرصه روابط بین‌الملل»، *مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه‌ای*، سال پنجم، شماره 20، بهار.
- 10 - سجاد پور، سید کاظم (1381)، « جهانی‌شدن و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، در: *جهانی‌شدن: برداشتها و پیامدها*، زیرنظر: سید محمد کاظم سجاد پور، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- 11 - شریفی طراز کوهی، حسین (1381)، « رویارویی حاکمیت‌ها و جهانی‌شدن حقوق بشر»، *فصلنامه راهبرد*، شماره 22، بهار.
- 12 - شیر خانی، محمد علی (1381)، « یکپارچه شدن جهانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره 57، پائیز.
- 13 - عیوضی، محمد رحیم - باب گوره، حسام الدین (1391)، « جامعه‌شناسی سیاسی، تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی، *فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، دوره 42، شماره 3، پائیز.
- 14 - فاکس، کیث (1381)، *شهروندی*، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.

- 15- قوام، سید عبدالعلی (1380)، « موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی‌شدن »، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال پانزدهم، شماره 3، پائیز.
- 16- گرین، مادلین ف (1392)، « مفهوم شهروند جهانی در گستره آموزش بین‌المللی، شهروند جهانی درباره چه سخن می‌گوئیم و چرا این مسأله اهمیت دارد؟ ترجمه: عاطفه نامداری، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره 66، شهریور.
- 17- گل محمدی، احمد (1381)، *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشرنی*.
- 18- گیدنز، آنتونی (1380)، *پیامدهای مدرنیت*، چاپ دوم، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- 19- لکسو، لیزا (1381)، « شهروندی جهانی »، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، *فصلنامه راهبرد*، شماره 23، بهار.
- 20- محب علی، قاسم (1389)، « جهان شهرها: پدیده نوین در روابط بین‌الملل »، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره 93، تابستان.
- 21- مشیرزاده، حمیرا و هاشمی، سیده فاطمه (1392)، « نقش جنبش‌های فرا ملی در تدبیر امور زیست محیطی »، *فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، دوره 23، شماره 1، بهار.
- 22- مک کین لای، رابرت دی - لیتل ریچارد (1380)، *امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 23- میلر، دیوید (1381)، « حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز »، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، *فصلنامه راهبرد*، شماره 23، بهار.
- 24- نجاتی حسینی، سید محمود (1390)، « سیاست شهری و دیپلماسی شهری (از نظریه تا تجربه) »، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره 3، شماره 2، پائیز و زمستان.
- 25- نش، کیت (1380)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
- 26- واترز، مالکوم (1379)، *جهانی‌شدن*، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی - سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- 27- Lo, Fuchen and Marcotullio, Peter j (2001), "Globalization and Sustainibility of cities in the Asia Pacific Region ", *The United Nation University Press*.
- 28- Short, JR (2004), *Global Metropolitan: Globalizing Cities in a Capitalist wold*, Routledge Publishers.